

دانش زبانی

درس فارسی پایه هشتم
دبیر: محمدی سانیانی

زبان و ادبیات

در سال گذشته آموختیم که فارسی مانند دیگر زبان های زنده دنیا علاوه بر حوزه زبان، حوزه ی ادبیات نیز دارد. هرگاه بخواهیم منظور خود را دقیق و آشکار بیان کنیم صرفاً از زبان استفاده می کنیم؛ اما اگر بخواهیم منظور را زیبا و موثر و در عین حال غیرمستقیم و پیچیده انتقال دهیم، علاوه بر زبان، از ادبیات نیز بهره می گیریم.

مثال زبانی: باران بارید. مثال ادبی: آسمان گریست.

برای فهم بهتر این مطلب به این تمثیل دقت کنید:

فارسی را می توانیم مثل ساختمانی تصور کنیم که تنها پی ریزی، اسکلت بندی، آجرچینی و عایق بندی آن انجام گرفته و به همین شکل نیز قابل استفاده و سکونت است؛ ولی ادبیات مانند سنگ نما، گچ کاری، رنگ آمیزی و ظریف کاری آن ساختمان است، که با افزودنش، زندگی در آن، هم برای صاحبان و هم برای مهمانان لذت بخش می شود.

مصالح زبان برای بنا کردن ساختمان جمله، حروف و کلمات هستند؛

اما مصالح ادبیات برای زیباتر کردن ساختمان جمله، آرایه های ادبی می باشند.

پس هرگاه درباره ساختار و اجزای جمله، انواع ترکیب ها، نوع و نقش واژه ها و مواردی از این قبیل صحبت می کردیم، در قلمرو دانشی زبانی حرکت می کنیم؛ و هرگاه ساختار موزون و آهنگین، زیبایی های کلامی و آرایه های ادبی را مورد بررسی قرار می دادیم، در حیطه دانش ادبی وارد شده ایم.

واحدهای زبانی

فرهنگ هر سرزمین دارای ویژگی‌های اختصاصی خود است که از جمله مهم‌ترین آن‌ها زبان و خط آن کشور است. زبان فارسی نیز به عنوان زبان رسمی ما ایرانیان شناخته می‌شود. هر سخن منسجم در زبان فارسی (نامه، مقاله، سفرنامه، خبر، گزارش، داستان و...) را اگر یک اثر بدانیم، همه آن‌ها از مجموع چندین بند (پاراگراف) شکل گرفته‌اند. به همین ترتیب می‌توانیم از بزرگ به کوچک، واحد‌های زبان فارسی را جزء جزء کنیم و به «واج» که کوچک‌ترین واحد زبانی است برسیم.

واج ← واژه ← گروه ← جمله ← بند ← اثر(متن) ← زبان(ادبیات) ← فرهنگ
د ← درس ← درس فارسی ← من درس فارسی را دوست دارم.

حال به تعریف هر کدام از این واحدها دقت کنید:

واج: کوچکترین واحد زبان که به تنهایی معنا ندارد ولی در معنا تغییر ایجاد می‌نماید.

واژه: از ترکیب چند واج ساخته می‌شود و بر مفاهیم محیط پیرامون دلالت دارد.

گروه: دارای یک واژه به عنوان هسته و یک یا چند واژه به عنوان وابسته است.

جمله: دارای معنای کاملی است و برای انتقال پیام استفاده می‌شود.

واج

واج کوچکترین واحد (صوتی) زبان است که به تنهایی معنایی ندارد ولی می تواند در کلام تغییر معنا ایجاد کند. در زبان فارسی واج ها بر اساس نوع تلفظ شان به دو دسته تقسیم می شوند:

۱. **صامت:** پس از خارج شدن آوا از گلو با مانعی (زبان، دندان، لب) برخورد کرده و سپس از دهان خارج می شود. زبان فارسی **۲۳ صامت** دارد.

۲. **مصوت:** پس از خارج شدن از گلو بدون برخورد با هیچ مانعی از دهان خارج شده و هنگام ادا، دهان باز می ماند، چنانکه جریان هوا از گلو تا لب آزادانه می گذرد. زبان فارسی **۶ مصوت** (۳ کوتاه و ۳ بلند) دارد.

واج				
مصوت		صامت		
ردیف	واج (آوا)	حرف (نشانه)	واج (آوا)	ردیف
۱	اَ	ا، آ، و، ی، ء، ع	ا	۱
۲	اِ	ب	ب	۲
۳	اُ	پ	پ	۳
۴	اَ	ت، ط	ت	۴
۵	او	ج	ج	۵
۶	ای	چ	چ	۶
		خ	خ	۷
		د	د	۸
		ر	ر	۹
		ذ، ز، ض، ظ	ز	۱۰
		ژ	ژ	۱۱
		ث، س، ص	س	۱۲
		ش	ش	۱۳
		ف	ف	۱۴
		غ، ق	ق	۱۵
		ک	ک	۱۶
		گ	گ	۱۷
		ل	ل	۱۸
		م	م	۱۹
		ن	ن	۲۰
		و	و	۲۱
		ح، هـ	ه	۲۲
		ی	ی	۲۳

واژه

همان طور که پیش از این خواندیم، واژه از ترکیب چند واج ساخته می شود و بر مفاهیم محیط پیرامون دلالت دارد.

در زبان فارسی واژه ها بر اساس نوع شان فقط و فقط به ۷ دسته تقسیم می شوند:

۱. فعل: دربردارنده معنایی درباره وجود حالت یا وقوع کار توسط شخصی در زمانی است

۲. قید: توضیحی به فعل افزوده و آن را به مفهوم جدیدی مقید می سازد.

۳. اسم: برای نامیدن همه موجودات و مفاهیم دنیای پیرامون کاربرد دارد.

۴. ضمیر: به جای اسم (و به جهت پرهیز از تکرار) می آید.

۵. صفت: خصوصیتی مانند حالت، نسبت، مقدار، تعداد و... را بیان می کند.

۶. حرف: معنای مستقلی ندارد و برای پیوند دادن واژه ها به هم استفاده می شود.

۷. شبه جمله: حالات روحی و درونی چون شادی، تعجب، درد، افسوس و... را بیان می کند.

(انواع واژه) اسم

اسم واژه ای است که برای نامیدن موجودی یا مفهومی به کار می رود. در واقع هر پدیده ای که یا وجود خارجی دارد یا مفهوم ذهنی باشد، نامی روی آن قرار می دهیم تا هرگاه بخواهیم درباره آن صحبت کنیم، از آن نام استفاده کنیم. همه مردم تا این میزان با اسم آشنا هستند و در مکالمات روزانه خود به وفور از آن استفاده می کنند؛ اما اگر بخواهیم به صورت تخصصی و در ساختار دستور زبان، اسم را از دیگر انواع واژه تشخیص دهیم، باید نشانه هایش را بشناسیم:

۱. می توان آن ها را جمع بست. کتاب ها
۲. برای آن ها صفت آورد. کتاب مفید

اگرچه اسم ها همگی خصوصیت مشترکی دارند (که ذکر شد) اما تفاوت هایی نیز با هم دارند که برای شناخت بهتر می توان آن ها را از دیدگاه های مختلف دسته بندی کرد:



(انواع واژه صفت)

صفت واژه ای است که درباره اسم توضیحی می دهد و یک از خصوصیات اسم را از قبیل حالت، مقدار، شمار و... را بیان می کند. اسمی که صفت درباره آن توضیح می دهد، «موصوف» خوانده می شود. انواع صفت عبارتند از:

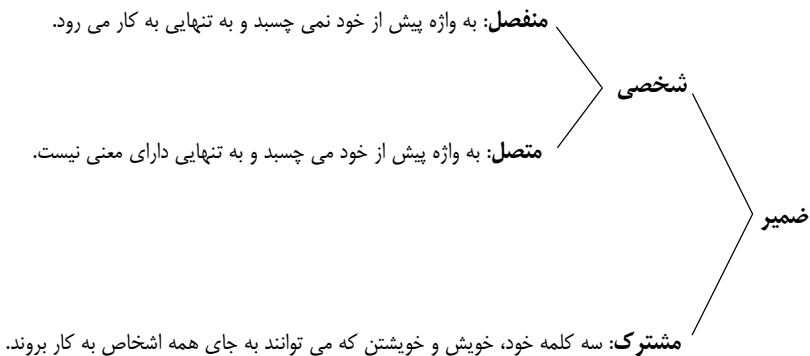
۱. **صفت بیانی:** چگونگی و خصوصیات اسم مانند رنگ، قد، جنس، شکل، وضع، حجم، اندازه، مقدار، ارزش

- ساده: سیاه، بلند، خوب، گرم، مهربان، باهوش، کوچک
 - فاعلی: بن مضارع + نده: خواننده
 - بن مضارع + ان: خندان
 - بن مضارع + ا: دانا
 - بن ماضی + ار: خریدار
 - بن ماضی + گار: آفریدگار
 - اسم + گر: کارگر
 - اسم + کار: ستمکار
 - مفعولی: بن ماضی + ه: شنیده، خوانده، خورده، آشامیده (لفظ شده در پائانش اضافه می شود).
 - نسبی: اسم + ی: تهرانی
 - اسم + ه: همه کاره
 - اسم + چی: پست چی
 - اسم + گان یا گانه: گروگان، جداگانه
 - اسم + ین یا ینه: دروغین، پشمینه
 - اسم + انه یا انی: روزانه، نورانی
 - لیاقت: مصدر + ی: خواندنی، دیدنی، شنیدنی، دیدنی، نوشتنی، آشامیدنی، دوست داشتنی
۲. **صفت اشاره:** برای اشاره به کسی یا چیزی: «این» برای اشاره به نزدیک و «آن» برای اشاره به دور
۳. **صفت پرسشی:** برای پرسش از نوع یا چگونگی یا مقدار چیزی: چه، چگونه، چند، کدام، چقدر و...
۴. **صفت تعجبی:** برای ابراز تعجب درباره چگونگی یا مقدار چیزی: چه، عجب
۵. **صفت مبهم:** برای بیان چگونگی یا مقدار چیزی به صورت مبهم: هر، همه، چند، فلان، کمی، خیلی
۶. **صفت شمارشی:** برای اعلام تعداد و شماره چیزی:
- شمارشی اصلی: اعداد
 - شمارشی ترتیبی: اعداد + م یا مین

نکته: پیش از این تنها با نوع «صفت بیانی» آشنا شده بودیم؛ و تنها همین نوع از صفت است که پس از اسم می آید. باقی اقسام صفت که اکنون با آن ها آشنا شدیم، پیش از اسم می آیند.

(انواع واژه ضمیر)

ضمیر واژه ای است که به جای اسم می آید و در جمله همانند اسم عمل می کند و نقش های آن را می پذیرد. باینکه همه ضمیرها از جهت جانشینی اسم به هم شبیه اند ولی اقسام دارند که عبارت اند از:



متصل		منفصل		ساخت		
مثال	ضمیر	مثال	ضمیر	شمار	شخص	
کتابم	مَ	کتاب من	من	مفرد	اول	۱
کتابت	تَ	کتاب تو	تو	مفرد	دوم	۲
کتابش	شَ	کتاب او	او	مفرد	سوم	۳
کتابمان	مان	کتاب ما	ما	جمع	اول	۴
کتابتان	تان	کتاب شما	شما	جمع	دوم	۵
کتابشان	شان	کتاب ایشان	ایشان	جمع	سوم	۶

نکته ۱: در زبان فارسی می توانیم ضمیرهای متصل را به ضمیرهای مشترک چسبانده و از ترکیب آن ها استفاده کنیم: خودم، خودت، خودش، خودمان، خودتان، خودشان

نکته ۲: هر کدام از صفت های پیشین (اشاره، پرسشی، تعجبی، مبهم) اگر به صورت مستقل بیایند و به اسم نسچندند، دیگر صفت یک اسم نیستند بلکه ضمیر به حساب می آیند.

این کتاب را بگیر. ← این را بگیر. همه بچه ها آمدند. ← همه آمدند.

چه کار می کردی؟ ← چه می کردی؟ چه خوب! ← چه از این بهتر!

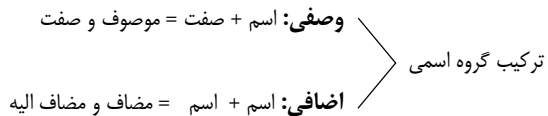
گروه اسمی (۱)

پیش از این خواندیم که واج ها با هم ترکیب می شوند و واژه را می سازند؛ همچنین واژه ها نیز با هم ترکیب می شوند و گروه (واژه ها) را می سازند. اما سوالی که وجود دارد این است که به چه دلیل گروه (واژه ها) ساخته می شود؟ پاسخ ساده و روشن است: هرگاه یک واژه به تنهایی نتواند مقصود ما را به طور کامل بیان کند، واژه های دیگری را با آن ترکیب می کنیم تا مخاطب به طور کامل متوجه منظور ما شود.

تنها ۳ نوع (فعل، قید، اسم) از ۷ نوع واژه (فعل، قید، اسم، ضمیر، صفت، حرف، شبه جمله) این قابلیت را دارند که واژه های دیگری را با خود ترکیب کنند و گروه (واژه ها) بسازند.

بر این اساس هرگاه یک واژه مثلاً از نوع اسم نیاز به توضیحات بیشتری داشته باشد، واژه های دیگری را با آن ترکیب می کنیم تا مخاطب، بهتر متوجه منظور ما شود. واژه های دیگر که می توانند با یک اسم ترکیب و درکنارش

بیایند از ۲ نوع اسم و صفت خارج نیستند. در نتیجه گروه اسمی ساخته شده، وصفی یا اضافی خواهد بود:



کلید: راه تشخیص گروه وصفی (صفت) از گروه اضافی (مضاف الیه):

۱. در پایان ترکیب گروه اسمی فعل اسنادی گذاشته شود.
اگر معنا داشت، ترکیب وصفی است؛ ولی اگر معنا نداشت، ترکیب اضافی است.
مثال: خانه علی: خانه علی است. خانه زیبا: خانه زیباست.
۲. در پایان ترکیب گروه اسمی، پسوند «تر» گذاشته شود؛
اگر معنا داشت، ترکیب وصفی است ولی اگر معنا نداشت، ترکیب اضافی است.
مثال: خانه علی: خانه علی تر خانه زیبا: خانه زیباتر

یک - مشخص کنید که هر کدام از ترکیب های زیر وصفی یا اضافی اند؟

خداوند بخشنده - ام رضا - تاج بخت - راه پالی - قصر پادشاه - رعد و برق شب

خدای بی رحم - کار خدا - نیت من - خانه خوب - گوشه خلوت - دل آینه

مورچه کوچک - آفریدگار درخت - خالق بی همتا - اسرار پیچیده - آفریدن خفاش

لاله گوش - رگ اصلی - چشم سرخ - ماه تابان - گوش پنهان - حواس نیرومند

لانه خود - فصل گرما - خوراک زمستان - بادبان کشتی - پرتاووس - دسه گل

گل بهاری - پارچه پوشیدنی - رنگ زیبا - زرناب - کاکل سبز - شکاف گوش

دو - از درس های ۳، ۴، ۶ و ۷ کتاب درسی ۲ ترکیب اضافی و ۲ ترکیب وصفی بیابید.

ترکیب اضافی		ترکیب وصفی		
۱	۲	۱	۲	
				درس ۳
				درس ۴
				درس ۶
				درس ۷

گروه اسمی (۲)

پس از واج و واژه، گروه، سومین واحد زبانی و یکی از ارکان ساختمان جمله به شمار می رود. همچنین آموختیم در هر گروه اسمی، برای توضیح یک اسم، واژه هایی از نوع صفت یا اسم را با آن ترکیب می کنیم تا منظور را بهتر انتقال دهیم.

بنابراین به اسم اصلی که محور بحث ماست هسته می گوئیم.
و به صفت و اسم هایی که برای توضیح بیشتر آن اسم اصلی آمده اند، وابسته می گوئیم.

در گروه اسمی، وجود هسته اجباری ولی وجود وابسته اختیاری است. پس گروه اسمی می تواند تنها یک اسم به عنوان هسته باشد. در جدول زیر با انواع وابسته های گروه اسمی یا به عبارت بهتر انواع صفت ها آشنا می شوید:

گروه اسمی										
وابسته پسین				هسته	وابسته پیشین					
مضاف الیه	تفضیلی	شمارشی	بیانی		عالی	شمارشی	مبهم	تعجبی	پرسشی	اشاره
اسم	تر	ترتیبی ۲	فاعلی مفعولی لیاقت نسبی ساده	اسم	ترین	ترتیبی ۱	اصلی	هر همه کمی خیلی چند فلان	چه چقدر عجب	این آن همین همان چنین چنان

کلید: راه تشخیص هسته گروه اسمی:

- در صورتی که بین واژه های گروه اسمی، نقش نمای اضافه (ـِ) وجود داشته باشد: اولین واژه ای که نقش نمای اضافه دارد هسته گروه اسمی است.
- در صورتی که بین واژه های گروه اسمی، نقش نمای اضافه (ـِ) وجود نداشته باشد: آخرین واژه ای که در گروه اسمی وجود دارد هسته گروه اسمی است.

یک - در عبارات زیر گروه های اسمی را (هسته + وابسته) بیابید و در جدول بنویسید.

- از لین همه کوسفندانست، یکی را به من بده.
- شکفت انگیزترین پرندگان آفرینش، طاووس است.
- برترین ارمغان ایران به دیگران، فرهنگ بوده است.
- هی! دیگر، آن نیروی جوانی در ما نیست.
- هر جامعهم ای، در سرزمین ویرانه ای زندگی می کند.
- لین همه دولت که مرا هست، از امیراست.
- با همه مقاومت دلیرانه ی سربازان، شکست خوردند.
- به ان شاء الله چه حاجت است؟
- ایمان، نخستین و اصلی ترین عامل پیوند رهبری با ملت بود.
- چه اطلاعات خوبی داری! مگر چند کتاب در لین باره خوانده ای؟

وابسته پیشین	هسته	وابسته پسین	
			۱
			۲
			۳
			۴
			۵
			۶
			۷
			۸
			۹
			۱۰



همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی
به پیام آشنایی بنوازد آشنا را ...